

اجتماعی در اجرای تاکتیکهای خود میل دارد مستقل باشد و زیر چتر دیگری قرار نگیرد. ولی همگی با رهبری شورایی برای براندازی موافقت دارند.

ما گفته ایم همبستگی و همسو شدن در هدف، همان استراتژی تعیین کننده در وجود اپوزیسیون واقعی است که آن براندازی و سرنگون کردن حکومت اسلامی، برای ایجاد دموکراسی و مردم سالاری در ایران است. ما براندازی را مرکز همبستگی و اتحاد قرار دادیم چرا که اگر مختصری از این راه منحرف شوند بخوبی شناخته می شوند که ایشان به نوعی در مجموع همبستگی، یک تافته جدا بافته هستند.

با این روش، سازمان پارس و شورای براندازی به نتایج مطلوب دست یافته است و توانسته است اپوزیسیون واقعی را در هدف براندازی همسو نماید و جنبش سپید براندازی را که خواست واقعی ملت ایران است هدایت کند و به پیروزی رساند.

ما همواره در حال یارگیری و افزایش انسجام نیروهای مبارزه و برانداز درون و برون مرز هستیم، و با همسو نمودن اندیشه و بیان و کنش این نیروها در ایجاد یک شورای رهبری مؤثر خواهیم بود، شورائی که می تواند بعد از براندازی از ایجاد هرگونه دیکتاتوری و سودجویی فردی یا گروهی جلوگیری کند. و ملت ما در یک فضای باز سیاسی - اجتماعی و با مهر و دوستی بین ایرانیان از هر گروه و دسته و حزب سیاسی، برای آینده سرزمینشان تصمیم خواهند گرفت و فردائی پربار و سرافراز را برای خود و نسلهای آینده ایران بنیان خواهند گذاشت.

### مکانیزم و روش براندازی و زمینه سازی دموکراسی

بطور کلی انقلاب، دگرگونی بنیادین یک سیستم است که در آن رژیم حاکم دچار فروپاشی می شود و نظام دیگری به جای آن می آید. انقلاب، یک حرکت تخریبی و بنیان برافکن است که طرفداران آن با نظام سابق دشمنی و خصومت دارند و نوعی حرکت عمودی است که شرایط سیاسی - اجتماعی یک جامعه در اثر آن بهبود یابد، اما، اصلاح آن است که در درون یک نظام و از نظر عملکرد، گروههای سیاسی مخالف موجود باشند و در نظر داشته باشند که بخشی از قوانین یا مقررات و یا سازماندهی و یا مدیریت جامعه را تغییر دهند تا در جهت بهتر شدن منافع و مصالح مردم باشد. اینکه خاتمی می گفت من می خواهم اصلاحات کنم دو اشکال داشت : نخست اینکه او نمی توانست انقلاب را که در ذات خودش اصلاح پذیر نیست بلکه تخریبی است اصلاح کند و تا هنگامی که این حکومت، فضای انقلابی را در جامعه حفظ کند هیچ گونه اصلاحی عملی نیست و بعد اینکه او با این شعار فقط می توانست دردهای مردم ایران را از طریق گفتار درمانی معالجه کند به همین علت در تمام مدت هشت سال حتی یک بار نتوانست بگوید می خواهد چه چیز را اصلاح کند چون از نظر مردم ایران اولین چیزی که باید اصلاح شود حذف ولی فقیه از فرهنگ سیاسی - اجتماعی ایران است. ولی دیدیم که او

خودش نسبت به ولی فقیه حالت **نوکر منشی** داشت و همواره در روی همین پاشنه گردید و باید خوش باور و ساده اندیش باشیم که تصور کنیم که او می خواست اصلاحات کند. برخی در داخل ایران و حتی در خارج معتقد هستند که باید **قانون اساسی** تغییر کند. در اینجا باید به یک نکته بسیار دقیق توجه کرد و آن این است که این افراد بطور ضمنی، کادر کلی رژیم را قبول دارند یعنی طرفدار حکومت اسلامی هستند و می خواهند تغییری در سطح افقی پیدا شود مثلاً یک اصل با اصل دیگر حذف شود یا اضافه گردد که این هم دردی از ملت ایران دوا نمی کند.

**اما براندازی**، در ظاهر، بنظر می رسد که یک عمل **مسلحانه** و **انقلابی** است ولی **چنین نیست در عمل، سیاسی - اجتماعی، مردمی و دموکراتیک** است ولی در نتیجه دگرگون کننده و سازنده است و از **قیام همگانی مردم و حمایت نیروهای مسلح ملی** سرچشمه خواهد گرفت.

**حال به چه وسیله می شود این حکومت را منقرض کرد؟**

۱- **با کودتا**: به هیچ وجه از نظر کارشناسان سیاسی - اجتماعی و استراتژیک جهان **مورد توصیه نیست** و تجربه های تلخ چند حرکت کودتاگرانه قبلی نیز هنوز از خاطر ما مردان مبارز و آزادی خواه نرفته است و به هیچ وجه راضی نخواهیم شد که ایران لبنان دیگری بشود.

۲- **از طریق انقلاب**: که معمولاً در جهان اگر یک **انقلاب نتیجه خوب داشته** باشد مردم آن کشور دوباره انقلاب نخواهند کرد و اگر نتیجه بد هم داشته باشد باز هم انقلاب نخواهند کرد چون آثار بد و پلید انقلاب قبلی آنها را از هر چه انقلاب باشد بیزار و متنفر کرده است و دیگر به هیچ وجه انقلاب نخواهند کرد درست مثل انقلاب در ایران. آنها که در ایران و جهان از الفبای علوم سیاسی آگاهی دارند بخوبی می توانند این نظریه را تأیید کنند که تا چه حد مردم ایران از انقلاب روحانی نمایان که خود را متولی آن می دانند نفرت دارند.

۳- **از طریق شورش**: بطور کلی شورش های **محلی سازمان نیافته** قابل **سرکوب** هستند. گاهی در بعضی از کشورهای آمریکای لاتین دیده شده است که برخی از این شورش های محلی به نتیجه کلی در سطح جامعه رسیده است که در کشور ما با توجه به ابعاد جغرافیایی و بسیاری ویژگی های سیاسی تاریخی چنین حرکتی هرگز مورد توجه و نتیجه بخش نیست.

۴- **براندازی** از نظر ما با **قیام ملی** امکان پذیر است و بزودی انجام خواهد گرفت. ما امروز به نوعی تاکتیک و برنامه ریزی احتیاج داریم که پایه های این حکومت ستیزه جو را به لرزه درآورد و **قیام ملی** را بوجود آورد و در انتها **براندازی** صورت گیرد.

ملت ایران اطمینان دارد که تا زمانی که **براندازی** این حکومت ضدایرانی صورت نگرفته است، ما و نسلهای آینده هرگز روی خوشی و شادی را نخواهیم دید. آینده، زمانی بر ما ایرانیان لبخند خواهد زد که گریبان مام میهن را از چنگال خون آلود این دشمنان ایران نجات بخشیم.

## نبرد با اهریمن

---

کسانی که **فعالیت و مبارزه منفی** برای استمرار حکومت اسلامی کرده اند، و نه اینکه مبارزه مثبت برای سرنگونی حکومت و همچنین همواره براندازی را محکوم کرده اند، نمی توانند کادر رهبری مناسبی در **جنبش سپید براندازی** ملت ایران باشند.

تاکتیک های ما در **جنبش سپید براندازی** آنست که تمام مردم ایران با توجه به آگاهی های سیاسی - اجتماعی و تجربیات مبارزاتی که برای رهایی دارند و با رهنمودهای **شورای براندازی** آنچنان تجهیز و بسیج شوند که با یک حرکت تند و سریع در یک قیام همه جانبه ملی حکومت را **سرنگون** سازند، تا زمینه استقرار حاکمیت ملی فراهم شود. دشمنان ما بدانند تا روزی که **شیرزنان** و **آزادمردان** دلاور ایرانزمین می خروشدند خواب راحت نخواهند داشت و فرزندان ایرانزمین **سرزمین اهورائی** را از شر **دزدان** و **قاتلان** پاک خواهند کرد.

هم اکنون مبارزات سازمان **پارس و شورای براندازی** از مرحله سیاسی - گفتاری به مرحله عملیاتی خود نزدیک می شود و بزودی ضربات کشنده ای بر پیکر کثیف و فاسد این **حکومت شیطانی** فرود خواهد آورد و با همراهی تمامی ملت ستمدیده ایران، بزودی روز قیام ملی را گرامی خواهیم داشت و **جنبش سپید د براندازی** پیروز خواهد شد و در پیرو آن، **امینت**، **آرامش**، **رفاه**، **عدالت** و **غرور** و **افتخار** به **سرزمین اهورائی**، سایه خواهد افکند.

اردیبهشت ماه ۳۷۴۵ جمشیدی (۱۳۸۶)

## نامه سرگشاده به رئیس جمهور فرانسه آقای نیکولا سارکوزی



آقای رئیس جمهور، ژاک شیراک قصر الیزه را ترک کرد و با خود **تنفر و لعنت** مردم **فرانسه و ایران** را برای همیشه به همراه برد. **بیلان** آقای ژاک شیراک پس از بیش از ۲۵ سال مسئولیت در پست های مختلف از جمله نخست وزیر و ریاست جمهوری فرانسه، کاملاً **منفی** بوده است.

**دزدی، خیانت و دروغگویی** همراه با **اقتصادی ورشکسته و بدهکاری دولتی** سرسام آور، نتیجه عملکردهای او می باشد. به همین دلیل بسیاری از مردم فرانسه او را **بدترین** رئیس جمهور فرانسه تاکنون می دانند. ژاک شیراک در این مدت با حمایت و همکاری نزدیک با حکومت تروریستی اسلامی در ایران، علیه **فرزندان ایرانزمین** به طور مستقیم عمل کرده است. ژاک شیراک



کمک های عظیم لجیستیگی و اطلاعاتی **علیه اپوزیسیون ایرانی** در فرانسه در اختیار حکومت اسلامی قرار داده است. در زمان وی هزاران ایرانی در ایران اعدام شده اند و در حدود **۱۵۰** نفر از **اپوزیسیون** در فرانسه به **قتل** رسیده اند، او **رشوه های** عظیمی از حکومت اسلامی دریافت کرده است.

**من آرمان نوری، مسئول سازمان پارس و شورای براندازی** به کرات سعی نمودم که مسائل و مشکلات **ملت ایران** در رابطه با **حکومت جبار اسلامی** را به **گوش** آقای ژاک شیراک و دیگر مسئولان مملکتی نزدیک به وی و در دولت وی برسانم. **متأسفانه** به دلایل فوق، تمام

## نبرد با اهریمن

سعی من در این مدت بی نتیجه ماند و ژاک شیراک و همکارانش در رابطه با همکاری با حکومت اسلامی همچنان علیه منافع ملت ایران عملکرد داشته اند. در این فاصله زمانی ژاک شیراک و دیگر مسئولان حکومتی فرانسه فشار و شرایط نامطلوب برای اپوزیسیون واقعی ایرانی در فرانسه فراهم آوردند.

**آقای رئیس جمهور،** از زمانی که ملت ایران به همکاری ژاک شیراک و یارانش با حکومت پلید اسلامی پی بردند، دشمنی عظیمی مابین ملت ایران و دولت راستی فرانسه پدید آمد.



سازمان پارس و شورای براندازی که خود را نماینده خواسته های ملت ایران می داند، به دلیل عملکردهای ژاک شیراک و دولت های راستی فرانسه علیه منافع ملت ایران، در انتخابات ریاست جمهور فرانسه از حزب سوسیالیست فرانسه که همواره بیانشان علیه حکومت تروریستی اسلامی در ایران بوده است، حمایت کرد. با توجه به اینکه سازمان پارس و شورای براندازی چپ و راست نمی شناسد ولی با مقیاس های سیاسی فرانسه طبعاً این سازمان به صورت یک نهاد راستی شناخته می شود.

**آقای سارکوزی شما نیز** در مدت ۵ سال مسئولیت در مقام های وزیر اقتصاد و وزیر کشور با سیاست ضد انسانی ژاک شیراک به نفع حکومت تروریستی و اسلامی در ایران همکاری نمودید.

**آقای رئیس جمهور** با توجه به اینکه پروژه های اقتصادی و اجتماعی شما که در صورت اجرا به نفع مردم فرانسه می باشد لذا آنچه برای ما اهمیت دارد روابط آینده شما با ایران است. بدین معنی که شما یا حامی حکومت تروریستی اسلامی در ایران خواهید بود و یا حامی ملت ستمدیده ایران. در این رابطه آینده ثابت خواهد کرد که شما از پلیدی حمایت کرده اید یا از نیکی و آن هنگام است که مردم ایران نسبت به شما قضاوت خواهند کرد. در صورت حمایت شما از نیکی یعنی ملت ایران برای شما آرزوی شجاعت و جسارت برای تغییر دیپلماسی فرانسه نسبت به ایران را می نمایم.

اردیبهشت ماه ۳۷۴۵ جمشیدی (۱۳۸۶)

## تاریخ پرچم ایران

### مقدمه

اصولاً برای اینکه با پدیده ای مخالفت یا موافقت کنیم، باید قبل از هر چیز شناخت درستی از آن داشته باشیم. **پرچم** ایران یکی از این پدیده هاست که در صحنه فعالیت های اپوزیسیون در خارج از کشور موضوع مورد **مجادله** و **معضل** اختلاف برانگیز بوده است. در رابطه با این مسأله، من طی مقاله ای نظر و نقد خود را طرح نمودم که علاوه بر نشریه پیوند در تعدادی از سایت ها و نشریات اینترنتی نیز بازتاب یافت لذا از تکرار آنها در این نوشته خودداری می کنم و صرفاً با تکیه به برخی **پژوهش های تاریخی**، اطلاعاتی را که مربوط به **تاریخچه** و پروسه شکل گیری پرچم ایران است و تغییرات مداوم آن را با خوانندگان عزیز می که احتمالاً وقت و فرصت دسترسی به این منابع را نداشته اند در میان می گذارم. برای تهیه و تنظیم این مجموعه اطلاعات تاریخی، از سایت اینترنتی « **نوروز** »، سایت اینترنتی « **سانی برایت** » و کتاب آقای **ناصر انقطاع** تحت عنوان « شیر و خورشید، نشان سه هزار ساله » بهره گرفته شده است.

### آئین میترا و تأثیر آن بر پرچم ایران



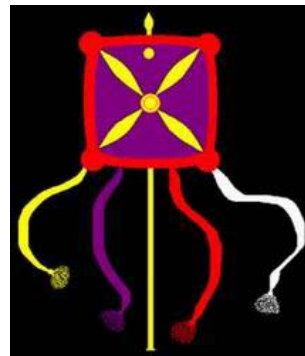
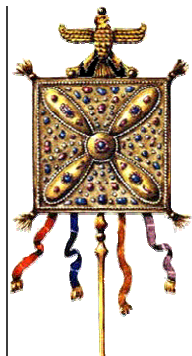
بر مبنای داده های تاریخی و از جمله آثار و **سنگ نبشته** های بجای مانده از دوران باستان، **آئین مهر** (یا میترائیسم) **نخستین دین بزرگ ایرانیان** در **بیش از سه هزار سال** پیش بود. در این مذهب، **خورشید** منبع و مرکز **انرژی** جهان تلقی می شد از این رو سجده و ستایش آن واجب بود. در آن زمان تصور بر آن بود که خورشید بدور زمین در گردش است و **خورشید را همچون پرنده ای در گردش** رسم می نمودند چرا که از خورشید، روشنایی و گرما نتیجه می شد و طبیعت از آن حیات می یافت و آن را سمبل زندگی و قدرت می شمردند. در برخی روایات، **میترا همپای خورشید** و یا **خدای روشنایی** و در برخی دیگر از روایات، **پسر خورشید** خوانده می شد که وظیفه داشت بر زمین فرود آید و فراوانی و خوشبختی را که در چنگ یک گاو پنهان شده

## نبرد با اهریمن

در غار بود، به ارمغان آورد. مثلاً نقشی که در پله های کاخ آپادانا (تخت جمشید) می بینیم نشان می دهد که یک شیر نر مشغول دریدن گاوی است. در برخی نشانه ها، میترا (آدمی روی) بر گرده شیر نشسته است. شیر نر هم در آن دوران (که برخلاف سده های اخیر هنوز نسلش از ایران کنده نشده بود) نشانه قدرت، سروری و « مردانگی »؟! بود.



بنابراین از حدود سه هزار سال پیش نشانه های سه گانه: شیر، خورشید و تندیس میترا بر علائم و نقش و نگارهای آن زمان خودنمایی می کرده است. اما منبع تاریخی که ثابت کند ایرانیان در آن زمان دارای یک پرچم ملی با رنگ ها و علائم ویژه ای بودند، وجود ندارد. نخستین اشاره در تاریخ اساطیر ایران به وجود پرچم به قیام کاوه آهنگر و پیش بند چرمی او بر سر چوبی برعلیه ضحاک بر می گردد، پس از شکست ضحاک فریدون بر تخت شاهی نشست و او فرمان داد تا پرچم کاوه را با دیبای زرد و سرخ و بنفش و گوهر زینت دهند و بدین سان « درفش کاویان » پدید آمد. درفش کاویان صرفاً افسانه نبوده و به استناد تاریخ تا پیش از حمله اعراب به ایران پرچم ملی و نظامی ایران را درفش کاویان می گفتند.



به روایت نوشتار تاریخی، درفش کاویان زمان ساسانیان از پوست شیر یا پلنگ ساخته شده بود، بدون آنکه نقشی بر روی آن باشد. هر پادشاهی که به قدرت می رسید تعدادی جواهر

بر آن می افزود. به هنگام حمله اعراب به ایران، در جنگی در اطراف نهاوند **درفش کاویان** به دست آنان افتاد که آن را نزد عمر بردند و به نوشته فضل الله حسینی قزوینی در کتاب المعجم «امیرالمؤمنین سپس بفرمود تا آن گوهرها را برداشتند و آن پوست را سوزانیدند». با فتح ایران به دست اعراب از آنجائی که علمای اسلام تصویرپردازی و نگارگری را حرام می دانستند ایرانیان تا دویست سال هیچ پرچمی نداشتند.

### دوره هخامنشیان



پرچم زمان کورش کبیر

در دوره شکل گیری اولین امپراتوری ایرانی توسط **کورش** هم اثری از یک پرچم ملی و سراسری نبود. به جای آن **پرچم** های متعدد وجود داشت که اساساً نماد تفکیک لشگرها و نیز فرماندهان سپاه در جنگ ها بود، به طوری که حتی سپاه جنگی یک امپراتوری نیز فقط یک پرچم نداشت. مثلاً سپاه کورش در لشگرکشی ها دارای آرایشی بدین شکل بود: نخست سواران، سپس ارباب های آذوقه و سلاح و آنگاه پیادگان. علامتی که **کورش** در صف جلوی سوارکاران با خود

حمل می کرد به «**پیکره شهبالی**» معروف بود که عبارت از **عقابی** بود با بال های باز که به روی نیزه ای بلند نصب شده بود. عقاب نشانه بلندپروازی و تیزبینی بود. بنابراین می بینیم که مؤسس سلسله هخامنشی، به جای **شیر یا خورشید، عقاب** را سمبل خود قرار داده بود.

### نخستین تصویر بر روی پرچم ایران

در سال ۳۵۵ خورشیدی (۹۷۶ میلادی) **سلطان محمود غزنوی** برای نخستین بار دستور داد نقش یک **ماه** را بر روی پرچم خود که رنگ زمینه آن یکسره سیاه بود زردوزی کنند. سپس در سال ۴۱۰ خورشیدی (۱۰۳۱ میلادی) سلطان مسعود غزنوی به انگیزه دل بستگی به شکار **شیر** دستور داد نقش و نگار یک **شیر** جایگزین ماه بشود.

در زمان **خوارزمشاهیان** یا **سلجوقیان** سکه هایی زده شد که بر روی آن نقش **خورشید** بر پشت آمده بود، رسمی که در مورد پرچمها نیز رعایت گردید. در مورد علت استفاده از خورشید دو دیدگاه وجود دارد، یکی اینکه چون **شیر** گذشته از نماد دلاوری و قدرت نشانه ماه مرداد (اسد) هم بوده و خورشید در ماه مرداد در اوج بلندی و گرمای خود است، به این ترتیب همبستگی میان خانه



شیر (برج اسد) با میانه تابستان نشان داده می شود. نظریه دیگر بر تأثیر **آئین مهرپرستی** و میترائیسم در ایران دلالت دارد و حکایت از آن دارد که به دلیل تقدس **خورشید** در میان ایرانیان کهن خورشید بر روی سکه ها و پرچم بر پشت شیر قرار گرفت.

### پرچم در دوران صفویان



در میان شاهان سلسله **صفویان** تنها شاه اسماعیل اول و شاه **طهماسب اول** بر پرچم خود نقش **شیر و خورشید** داشتند. پرچم شاه **اسماعیل یکم** سبزرنگ بود و بر بالای آن تصویر ماه قرار داشت. شاه **طهماسب** نیز چون خود زاده ماه فروردین (برج حمل) بود دستور داد به جای شیر و

خورشید تصویر **گوسفند** (نماد برج حمل) را بر روی پرچمها و سکه ها ترسیم کنند. پرچم ایران در بقیه دوران صفویان **سبزرنگ** بود و شیر و خورشید را بر روی آن زردوزی می کردند.



دوره شاه صفی صفوی

موقعیت و طرز قرار گرفتن **شیر** در همه پرچمها یکسان نبوده، گاهی **شیر نشسته**، گاهی **نیمرخ** و گاه **رو به سوی بیننده** بوده. در بعضی موارد هم خورشید از شیر جدا بوده و گاه چسبیده به آن. به استناد سیاحت نامه ژان شاردن جهانگرد فرانسوی استفاده از بیرق های نوک تیز و باریک که بر روی آن آیه ای از قرآن و تصویر

**شمشیر دو سر علی** یا شیر خورشید بوده در دوران صفویان رسم بوده است. به نظر می آید که پرچم ایران تا زمان قاجارها مانند پرچم اعراب سه گوشه بوده.

### پرچم در عهد نادرشاه افشار

درفش شاهی یا بیرق سلطنتی در دوران **نادرشاه** ابتدا سبز و سپس از ابریشم **سرخ و زرد** ساخته می شد و بر روی آن تصویر شیر و خورشید هم وجود داشت اما درفش ملی ایرانیان در این زمان سه رنگ **سبز و سفید و سرخ** با شیری در حالت نیمرخ و در حال راه رفتن داشته که خورشیدی نیمه برآمده بر پشت آن بود و در درون دایره خورشید «المک الله» نوشته شده بود.



دوره نادرشاه افشار

سپاهیان نادر در تصویری که از جنگ وی با محمد گورکانی، پادشاه هند کشیده شده، بیرقی **سه گوش** با رنگ سفید در دست دارند که در گوشه بالای آن نواری **سبز رنگ** و در قسمت پائین آن نوار سرخی دوخته شده است و شیری با دم برافراشته به صورت نیمرخ در حال راه رفتن و درون دایره خورشید آن باز هم «المک الله» آمده است. بر این اساس می توان گفت **پرچم سه رنگ**

عهد نادر مادر پرچم سه رنگ کنونی ایران است هرچند در آن زمان پرچم ها هنوز سه گوشه بودند.

### قاجارها و پرچم چهار گوشه



دوره آقا محمدخان قاجار

در دوران **آقا محمدخان قاجار** چند تغییر در شکل و رنگ پرچم داده شد، یکی اینکه شکل آن برای نخستین بار از سه گوشه به چهار گوشه تغییر یافت و دوم اینکه پرچم سه رنگ را به یک **پرچم سرخ** با دایره سفید رنگ بزرگی در میانش که در آن تصویر شیر و خورشید به رسم معمول وجود داشت تغییر یافت با این تفاوت که برای نخستین بار شمشیری در دست شیر قرار داشت.

در عهد **فتحعلی شاه قاجار**، ایران دارای پرچمی دوگانه شد. یکی پرچم زمان صلح که یکسره سرخ با شیری نشسته و خورشید بر پشت که پرتوهای آن سراسر آن را پوشانده بود. نکته شگفتی آور این که **شیر پرچم** زمان صلح **شمشیر** بدست داشت در حالی که در پرچم عهد جنگ چنین نبود. در



دوره علی قلی شاه عادل

زمان فتحعلی شاه استفاده از پرچم سفید رنگ برای مقاصد دیپلماتیک و سیاسی مرسوم شد. در تصویری که یک نقاش روس از ورود سفیر ایران «ابوالحسن خان شیرازی» به دربار تزار روس کشیده پرچمی سفید رنگ منقوش به شیر و خورشید و شمشیر پیشاپیش سفیر در حرکت است. برای

## نبرد با اهریمن

نخستین بار در زمان **محمدشاه قاجار** (جانشین فتحعلی شاه) تاجی بر بالای خورشید قرار داده شد. در این دوره هم دو پرچم به کار برده می شد که بر روی یکی شمشیر دو سر حضرت علی و بر دیگری شیر و خورشید قرار داشت که پرچم اول درفش شاهی و دومی درفش ملی و نظامی بود.

### امیرکبیر و پرچم ایران

**امیرکبیر** به دلیل دل بستگی ویژه ای که به **نادرشاه** داشت رنگ های پرچم او را اما به شکل **پرچم مستطیل** به کار برد که سراسر زمینه پرچم **سفید** بود با نوار **سبز نازکی** در گوشه بالائی و نواری **سرخ رنگ** به همان اندازه در قسمت پائین و نشان **شیر و خورشید** و **شمشیر** در میانه پرچم قرار گرفت، بدون آنکه تاجی بر بالای خورشید گذاشته شود.

### انقلاب مشروطیت و پرچم ایران

با پیروزی جنبش مشروطه خواهی در ایران و تشکیل مجلس، نمایندگان مردم در مجلس های اول و دوم به کار تدوین قانون اساسی و متمم آن پرداختند. در اصل **پنجم متمم** قانون اساسی آمده بود: «الوان رسمی بیرق ایران، **سبز و سفید و سرخ** و علامت **شیر و خورشید** است»، کاملاً مشخص است که نمایندگان در تصویب این اصل شتابزده بوده اند زیرا اشاره ای به ترتیب قرار گرفتن رنگ ها، افقی یا عمودی بودن آنها، و این که شیر و خورشید بر کدام یک از رنگ ها قرار گیرد به میان نیامده بود. همچنین درباره وجود یا عدم وجود **شمشیر** یا جهت روی شیر سخنی گفته نشده بود.



به نظر می رسد بخشی از عجله نمایندگان به دلیل وجود شماری **روحانی** در مجلس بوده که استفاده از تصویر را **حرام** می دانستند زیرا که نمایندگان در توجیه رنگ های بکار رفته در پرچم به استدلالاتی دینی متوسل شدند، بدین ترتیب که گفتند رنگ سبز، رنگ دلخواه پیامبر اسلام و رنگ این دین است، بنابراین رنگ سبز در بالای پرچم ملی ایران قرار گرفت. در مورد رنگ **سفید** نیز به این استناد شد که رنگ **پاکی، صلح، آشتی** و مورد علاقه **زرتشتیان** است

و آن در زیر رنگ **سبز** قرار گرفت. در مورد رنگ **سرخ** نیز با اشاره به ارزش خون **شهید** در **اسلام**، بویژه امام حسین و جان **باختگان** انقلاب **مشروطیت** به ضرورت پاسداشت خون آنان رنگ **سرخ** را نیز افزودند.

این استدلال زمینه را در مجلس برای گفتگوی نشان **شیر** و خورشید مساعد نمود و این موضوع این گونه توجیه شد که انقلاب مشروطیت در مرداد (سال ۱۲۸۵ هجری شمسی - ۱۹۰۶ میلادی) به پیروزی رسید یعنی در برج اسد (شیر). از سوی دیگر چون اکثر ایرانیان مسلمان شیعه و پیرو علی هستند و اسدالله از القاب حضرت علی است، بنابراین **شیر** هم نشانه **مرداد** است و هم نشانه امام اول شیعیان، در مورد **خورشید** نیز چون انقلاب **مشروطه** در میانه ماه **مرداد** به پیروزی رسید و



دوره محمد شاه قاجار

**خورشید** در این ایام در اوج نیرومندی و گرمای خود است خورشید را نیز بر پشت شیر سوار کردند که این شیر و خورشید هم نشانه علی باشد هم نشانه ماه مرداد و هم نشانه چهاردهم مرداد یعنی روز پیروزی مشروطه خواهان و البته **شمشیر ذوالفقار** علی نیز بدست **شیر** اضافه شد.

بدین ترتیب برای اولین بار پرچم ملی ایران به طور رسمی در قانون اساسی به عنوان نماد **استقلال** و **حاکمیت ملی** مطرح شد. در سال ۱۳۳۶ **منوچهر اقبال**، نخست وزیر وقت به پیشنهاد هیأتی از نمایندگان وزارت خانه های خارجه، آموزش و پرورش و جنگ طی بخش نامه ای ابعاد و جزئیات دیگر پرچم را مشخص کرد. بخش نامه دیگری در سال ۱۳۳۷ در مورد تناسب طول و عرض پرچم صادر شد و طی آن مقرر گردید طول پرچم اندکی بیش از یک برابر و نیم عرض آن باشد.



دوره پهلوی

## پرچم بعد از فاجعه ۵۷

در اصل هجدهم قانون اساسی حکومت اسلامی در ایران مصوب سال ۱۳۵۸ (۱۹۷۹ میلادی) در مورد پرچم گفته شده است که پرچم حکومت اسلامی از سه رنگ سبز، سفید و سرخ تشکیل می شود و نشانه جمهوری اسلامی (تشکیل شده با حروف الله که شباهت زیادی به علامت پرچم **سیک** ها، فرقه ای در هندوستان دارد) در وسط آن قرار دارد.



## پرچم ایران از نظر مبارزان راه آزادی و جنبش براندازی

بعد از دومین یورش **عربها** به ایران به کمک **استعمار** جهانی در سال ۱۹۷۹ میلادی و استمرار حکومت ضد ایران و ایرانی، میهن پرستان و فعالان سیاسی و مبارزان راه آزادی، در خارج از کشور، در **راهپیمایی** ها و **گردهمایی** ها علیه حکومت اسلامی از پرچم **سه رنگ** و **شیر و خورشید** با **شمشیر خمیده عربی** استفاده می شد و عده ای از **سلطنت طلب** ها هم روی خورشید تاج قرار دادند، تا اینکه به پیشنهاد و طرح **دکتر آرمان نوری رهبر جنبش سپید براندازی** در سال ۱۹۹۹، شمشیر خمیده عربی از روی پرچم برداشته شد و به جای آن **شمشیر راست کوروش بزرگ** را که سمبل **قدرت** و ایجاد **صلح** و **دوستی** ایرانیان در جهان است در دست شیر روی پرچم سه رنگ ایران جای گرفت و از آن هنگام پرچم واقعی فرزندان ایرانزمین شکل اصلی خود را بر خاسته شده از نهاد و نماد ایرانی است را یافت.



پس رنگ سبز - رنگ طبیعت زنده و نماد **اهورا مزدا** خدای یگانه است.  
رنگ سپید - رنگ صلح و دوستی و نماد **آناهیتا** الهه آبها سمبل **پاکی** و **آزادگی** است.  
رنگ قرمز - رنگ مبارزه و رزم علیه دشمنان ایرانزمین و تندیس **میترا** الهه **خورشید** و **آتش** و نماد **پیروزی** در جنگ بر علیه بی عدالتی است.  
**شیر** - مظهر **قدرت**، **دلاوری**، **جوانمردی** و **سالاری** یکی از نمادهای آیین **مهر** یا **میترائیسم** است که بر سنگنوشته های کاخ آپادانا در **تخت جمشید** می توان مشاهده نمود.  
**خورشید** - نماد **زندگی** و **روشنایی** و مظهر **عظمت** و **اقتدار** ایرانیان است.  
**شمشیر راست** - نماد **شمشیر کورش بزرگ**، سمبل **اقتدار** و **ترویج صلح** و **دوستی** در جهان توسط **ایرانیان** است.

اردیبهشت ماه ۳۷۴۵ جمشیدی (۱۳۸۶)

## ۲۲ خرداد روز همبستگی زنان ایرانزمین را ارج می نهیم



سال گذشته در چنین روزی شیرزنان سلحشور و مبارز ایرانزمین در میدان هفت تیر، مقابل دانشگاه تهران گرد هم آمدند و فریاد آزادی را سر دادند و فصل تازه ای در روند مبارزات زنان ایرانزمین گشودند.

ما این روز را ارج می نهیم و پس از براندازی حکومت جهل و خرافات اسلامی، ۲۲ خرداد تعطیل رسمی اعلام خواهد شد. زیباست شعاری که می گوید: «آزادی زن آزادی همگان است» آری چنین است، هنگامی که زنان ایرانزمین رها شوند و به آزادی و حقوق واقعی خویش دست یابند، تولدی دیگر است و ایران از چنگال اهریمنان آزاد گشته است و آن هنگام شیاطین و اهریمنان مذهبی و اهل عمامه های کژاندیش ضد ایرانی نابود گشته اند.

جنبش آزادیخواهانه شیرزنان مبارز ایرانزمین، جنبش مرگ آفرین و نابودی ملایان حاکم بر سرزمین اهورایی ایران است.

قانون اساسی قرون وسطایی حکومت جهل و خرافات اسلامی، قانون فشار، خفقان، جهالت، تحجر و کژاندیشی است. فرزندان ایرانزمین، شیرزنان مبارز، زمانی این قانون اساسی تغییر می یابد که این حکومت جبار

نابود گردد. فرزندان ایرانزمین، شیرزنان مبارز، برای رسیدن به ایرانی آزاد، آباد و سرافراز یگانه چاره، یک قیام و طغیان میهنی است و در امتداد براندازی حکومت متحجر ضد ایرانی می باشد. شیرزنان سلحشور و مبارز و آزادیخواه ایرانزمین تا هنگامیکه این دستاربندها و اهل عمامه های مزدور خارجی و ضد ایرانی بر کشور ما حاکم هستند هیچگونه تغییری در جامعه ایرانی صورت نخواهد گرفت و تجربه ۲۸ سال مبارزه فرزندان میهن پرست ایرانزمین، آن را ثابت نموده است.

### فراخوان عمومی

برای اعتراض به  
نقض حقوق زنان در قانون اساسی

یکشنبه ۲۲ خرداد ماه  
ساعت ۵ تا ۶ بعد از ظهر  
مقابل در اصلی دانشگاه تهران

فولان جنبش زن در ایران



شیرزنان ایرانزمین، شما می بایست همگی در یک نقطه مشترک همبسته شوید تا هم آمیختگی نیروهای شما در یک مقطع مشترک استوارتر گردد و توان پیکار و مبارزه را در مقابل این شیاطین مذهبی بدست آورد و در آن هنگام است که بر دشمن خانگی که مانند یک سرطان به جان فرزندان ایرانزمین افتاده است پیروز خواهید شد و آنگاه رهایی خواهید یافت. شیرزنان سلحشور مبارز و آزادیخواه ایرانزمین، از

شما انتظار دارم نقطه مشترک خود را، براندازی و نابودی این حکومت ضد انسانی قرار دهید و با همبستگی و همیاری به توانایی پیکارگر و مبارز خود بیافزایید و در زمان طغیان و قیام ملی میهنی سراسری، از آن بهره بگیرید و در روز ۱۸ تیر ماه دوشادوش دانشجویان مبارز ایرانزمین فریاد مرگ بر حکومت اسلامی را سر دهید و جنبش براندازی را پیروز گردانید. در چنین روزی با همیاری همه فرزندان غیور و میهن پرست ایرانزمین این شیاطین مذهبی ضد ایرانی حاکم بر میهن اهورایی را نابود سازید و سپس آن را به زباله دان تاریخ بسپارید. زنان سلحشور مبارز و آزادیخواه ایرانزمین زمان کارزار و مبارزه فرا رسیده است. خود را برای پیکار آماده نمایید. حق گرفتنی است، حق خود را با قدرت و نیروی مبارزه بدست آورید. زنان سلحشور مبارز ایرانزمین وقت جنگ است و جانا بهر جنگ آماده شو. پیروزی از آن شما خواهد بود.

خرداد ماه ۳۷۴۵ جمشیدی (۱۳۸۶)



## توحش حکومتی



تجربه سه دهه گذشته نشان داده که حکومت تروریست اسلامی هرگاه احساس کند که شیرازه امور از دستش خارج می شود، به موج جدیدی از سرکوب متوسل می شود. در چند روز اخیر شاهد گزارشات و تصاویری تحت عنوان «مبارزه با اراذل و اوباش» می باشیم. رسانه های تصویری ابعاد جدیدی از تحقیر انسانی را در ملاء عام را به نمایش می گذارد. این تهاجمات و دستگیری ها به صورتی سازمان یافته توسط نیروهای انتظامی و دولتی می باشد.

تصاویری که در آنها نه تنها نفی حرمت و حقوق انسانی یک فرد دیده می شود، بلکه پایمال شدن شرافت و حقوق اولیه یک ملت و به تحقیر و مسخره گرفته شدن آنان در زیر پوتین های پاسداران حکومت اسلامی را می توان دید. تهاجم نیروهای سرکوبگر حکومت جبار اسلامی به جوانان ایران در روزهای اخیر، ادامه همان سیاست تجاوز به حقوق زنان بوده و اهداف سیاسی مشخصی را هم دنبال می کند. هدف اصلی حکومت اسلامی در حمله به مردان جوان به بهانه مبارزه با «اراذل و اوباش»، در کنار طرح سرکوب زنان، گسترش جو رعب و وحشت و مجبور کردن مردم به اطاعت و تن دادن به سیاست ها و چهارچوب های ایدئولوژیکی این حکومت است. ترساندن کل جامعه و وادار کردن آن به تسلیم از طریق سرکوب زنان و زهر چشم گرفتن از آنان، ترویج

روحیه یأس و ناامیدی و تبلیغ این مسئله که مقاومت در برابر **ملایان جانی حکومتی** بی فایده است از اهداف واضح این رفتار وحشیانه است.



**حکومت پلید اسلامی** برای رسیدن به این هدف، هرزمان با زمینه سازی های روانی- اجتماعی مسئله ای را بهانه کرده و با راه اندازی تبلیغات در مورد آن، تلاش می کند تا از آن طریق راه رسیدن به اهدافش را هموار کند.

این مسئله از زبان عوامل حکومتی اینچنین بررسی می شود :

یکسری زنها هستند که که با پوشش خودشان موجب فساد و فحشاء می شوند، اینها وسیله تهاجم فرهنگی غربی ها و آمریکا هستند. یکسری جوانها هم با حمله به نوامیس ملت، امنیت راز خانواده ها گرفته اند. بنابراین مردم باید خیلی خوشحال بوده و از ما سپاسگزار هم باشند که نیروهای اسلام اینقدر هوشیار و بیدارند که هر توطئه ای را در نطفه خفه کرده و با دستگیری این عوامل فساد، امنیت خانواده ها را برقرار می کنند.

مردم ایران با این فرهنگ **عوامفریبانه حکومت اسلامی**، بخوبی آشنا هستند. همچنین مردم خوب می دانند که رژیم از روز اول حاکمیتش تلاش داشت تا هرکسی را که حاضر نشد با آن همکاری کند، با مارک ها و تهمت های بی پایه و اساس « **بی اعتبار** » کند. **مفسد فی الارض، جاسوس، منافق، ستون پنجم، اراذل و اوباش** و ... نمونه هایی از این گونه اتهامات هستند.

این رفتار و روش ها، نشانه عدم حاکمیت یک « **حکومت قانون** » بوده و نشان می دهد که **حکومت ضد ایرانی اسلامی** بر پایه یک **حاکمیت ایدئولوژیک** گردش امور را در دست داشته و این حاکمیت با شکنجه و سرکوب مردم در ملاء عام و در مقابل دوربین های عکاسی و فیلم برداری، حکومتی **ضد ارزشهای بشری** است.

## نبرد با اهریمن

صرفنظر از تعاریف و یا مبانی حقوقی، در بیان عمومی «**اراذل و اوباش**» افرادی هستند که **مخل امنیت و آرامش** مردم بوده و با اقدامات خودسرانه، فرا تر از قانون عمل می کنند. حتی اگر در خوشبینانه ترین حالت، افرادی را که **ملایان** از آنها با عنوان **اراذل و اوباش** یاد می کند، بزه کارانی بدانیم که در دنیای مدرن دولت وظیفه بهبودی و بازپروری آنها را به عهده دارد، آنگاه این سوال پیش می آید که پس برآستی **اراذل و اوباش** واقعی چه کسانی هستند؟ **حکومتی وحشی** که نزدیک سه دهه است که **ابتدائی ترین قوانین** و استانداردهای جهانی را رعایت نمی کند، حکومتی وحشی که هر روز با تجاوز به حریم خصوصی و شخصی افراد، آرامش تک تک افراد جامعه را سلب کرده است، حکومتی که با **زور و شکنجه و اعدام** و سنگسار و **قطع دست** در کوچه و خیابان به عربده جوئی پرداخته و مردم را **مرعوب** می کند، این چنین حکومت و آن نیروهائی که در مشمئزترین شکل، چوب در آستین افراد فرو کرده، سر آنها را از وسط می تراشند؛ به گردن آنان **آفتابه** می اندازند و در وسط محله ها آنها را چرخانده و **تحقیر** می کنند و... یک چنین حکومتی تجسم واقعی پلیدی بوده و آمران و عاملان سرکوب **مردم و جوانان ایران**، مصادیق واقعی **اراذل و اوباش** بحساب می آیند.

اما ... همانطور که این **حکومت پلید** نتوانسته بعد از **سه دهه** خود را با سرکوب و اعدام و شکنجه و بگیر و بند بر مردم ایران غالب کند، بعد از این نیز نخواهد توانست. و همانگونه که تاکنون مردم و جوانان ایران به روش های مختلف مخالفت خود را با این مزدوران نشان داده اند، بعد از این نیز با درس گیری از گذشته، مقاومت و **مبارزه خود را تا تغییر این حکومت وحشی** و ضد انسانی و حصول به یک حکومت آزاد و انسانی ادامه خواهند داد.

**با آرزوی پیروزی و سرپلندی مردم ایران و آینده ای روشن برای همه جوانان ایرانزمین**

مونا

تیرماه ۳۷۴۵ جمشیدی (۱۳۸۶)

## ۱۸ تیر روز قیام ملی مردم ایران روز براندازی حکومت اسلامی



چو ایران نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد

در حالی که پنج سال و نیم از سقوط طالبان توسط ارتش آمریکا می گذرد هنوز ناامنی و جنگ داخلی در افغانستان ادامه دارد. در عراق نیز پس از سقوط صدام حسین توسط آمریکا هنوز ناامنی، درگیری داخلی و ترور ادامه دارد و در آینده نزدیک نیز امید آن نیست که در این دو کشور رفاه و دموکراسی سایه افکند.

ملت شریف ایران، در شرایط حساس کنونی که بیم تهاجم نظامی به ایران با هدف استقرار یک رژیم دست نشانده خارجی می رود، بر ما فرزندان ایرانزمین است که مسئولیت شرایط حال را درک کنیم و با یک قیام ملی در روز ۱۸ تیر و براندازی حکومت اسلامی بر سرنوشت خویش حاکم شویم و حق خود را از سیاستهای استعماری مذهبی و غیرمذهبی جهان بگیریم.

## نبرد با اهریمن

در ۱۸ تیر ۱۳۵۹ **رزمندگان نیروی هوایی ارتش ایران** (پایگاه شاهرخی) برای نابودی **شیاطین مذهبی** در ایران قیام نمودند ولی **استعمارگران جهانی** توسط **حکومت اسلامی** دست نشانده خود، برای منافع اقتصادی و **ایجاد جنگ** در منطقه (جنگ ایران و عراق) بیش از ۱۱۵ نفر از **خلبانان، چتربازان، توپچیان** و افراد نیروهای ویژه ایران را به جرم شرکت در **کودتا (نوزه)** تیرباران کردند.

دومین قیام ۱۸ تیر در سال ۱۳۷۸ توسط **دانشجویان رزمنده و آزادخواه**، حکومت جباران، دزدان و قاتلان اسلامی را تا لبه **پرتگاه** کشانید ولی باز هم **دست استعمار و سیاست جهانی برای نجات اهریمنان و شیاطین اسلامی ضد ایرانی به یاری این نابخردان شتافت.**

**ملت غیور ایران**، دولت های خارجی به فکر **آزادی و دموکراسی و سرافرازی** ملت ما نیستند. ما با همیاری خودمان می توانیم به **آرمانهای میهنی** خود که همان **استقلال و آزادی و تمامیت ارضی** است دست یابیم و در این مهم، **حکومت جبار اسلامی** دست نشانده جهان استعماری باید نابود گردد و تنها راه، **براندازی قهرآمیز با یک قیام ملی همگانی خواهد بود.**

**ملت غیور ایران**، آینده ایران و فرزندان آن **سرزمین اهورائی** به شما بستگی دارد و شما تاریخ سازان ایران فردا هستید، شما مسئول و **جوابگوی** آیندگان خواهید بود.

**فرزندان ایرانزمین**، با یک روز مبارزه، **سرنوشت** خود و فرزندان خود را تغییر دهید و ایرانی آزاد، آباد و سرافراز را پایه ریزی کنید. خفت و خواری ایرانیان چه در داخل و چه در خارج بس است. با **قیام** خود، غرور و شرافت و **حیثیت** ایرانی بودن را بازپس بگیرید و ایرانی را در دنیا **سرافراز** نمایید.

فرزندان ایرانزمین ما ایرانی هستیم و خون **کورش و داریوش** و سرداران مبارز ایرانی که در طی تاریخ همواره شرافت و آبروی ایرانی را حفظ کرده اند، در رگ های ما جریان دارد. ما باید به دشمنان ایرانزمین نشان دهیم که هنوز شیران این سرزمین اهورائی بیدارند و غرش کنان آماده هرگونه رزم برای آزادی و آبادی و سرافرازی این سرزمین اهورایی هستند.

ملت شریف ایران، تنها با مبارزه قهرآمیز می توان از پس یک رژیم جنایتکار و آدمکش که مورد حمایت خارجی است و تاکنون میلیونها تن از فرزندان این آب و خاک را به قتل رسانیده است، برآمد.

فرزندان ایرانزمین تنها نابودی عوامل رژیم و جاسوسان آنها می تواند قیام و رستاخیر ملی را پیروز گرداند. مردم ایران بزدل نیستند و در جنگ علیه اهریمنان ضد ایرانی پیروز خواهند شد و ایران اهورائی را نجات خواهند داد. ملت غیور ایران می داند که استقلال و حاکمیت ما در گرو آزادی، آبادی و افتخار ایران است و تنها با نابودی حکومت اسلامی به آنها

دست خواهد یافت. مردم ایران می دانند که تنها راه رهایی از **استعمار بین المللی** و حکومت اسلامی دست نشاندۀ آن، **یک قیام همگانی ملی - میهنی** برای **براندازی** است.

**فرزندان قهرمان و سلحشور ایرانزمین** با همیاری و همبستگی تمام اقشار ملت ایران، شیرزنان و آزادمردان، دانشجویان، دانش آموزان، معلمان، کارگران، پیشه وران، کسبه، بازاریان، کارمندان، کشاورزان در روز ۱۸ تیر حکومت ضد ایران و ایرانی ملایان را **سرنگون** خواهند کرد.

## تدارکات ۱۸ تیر ۸۶ روز قیام ملی

- ۱- مکانهای عملیاتی خود را شناسایی کنید.
  - ۲- وسایل و تجهیزات و تسلیحات لازم را تهیه نمایید.
  - ۳- هسته های تبلیغاتی و عملیاتی ۳ تا ۵ نفره تأسیس کنید.
  - ۴- همه دانشجویان را آگاه کرده و آنها را در جریان آنچه در ۱۸ تیر قرار است بگذرد، بگذارید.
  - ۵- جریان های خائن و وابسته به جناح های دولت را افشا کنید.
  - ۶- امنیت را از جاسوسان سلب، و عوامل اطلاعاتی رژیم را پاکسازی کنید.
  - ۷- از طریق تماس با رسانه های مختلف، با اشخاص و جریاناتی که سعی دارند مبارزه را از سمت سرنگونی به سمت اهداف خائنانه دیگر ببرند، به شدت برخورد کنید.
  - ۸- با ورزش، آموزش و تمرینات چریکی، خود را برای خیزش همگانی ۱۸ تیر و عملیات مربوط به آن آماده سازید.
  - ۹- از حالا در تمامی سطوح اجتماعی (خانواده، محله، مدارس) به آگاه سازی و دعوت به آماده سازی برای شرکت در راهپیمایی قیام ملی ۱۸ تیر اقدام نمایید.
- عمر استبداد** در جامعه ما بسر آمده است. ما **گورکنان** پیکر **متعفن** حکومت اسلامی هستیم و آنرا برای همیشه با همه اجزایش به خاک خواهیم سپرد. زمان **آزادی** این ملت شریف و ستم کشیده فرا رسیده است. خود را برای **قیام ملی ۱۸ تیر** آماده سازید. برای آزادی ایران جان ما در طبق اخلاص باد.
- از امسال روز ۱۸ تیر روز قیام ملی، تعطیل عمومی اعلام خواهد شد. در این روز هیچیک از میهن پرستان در سر کار خود حاضر نخواهند شد.
  - ارتش و سپاه و بسیج در این حرکت بیطرف خواهند بود و در نهایت از مردم شریف ایران حمایت خواهند کرد.
  - نیروهای مسلح میهنی - مردمی امنیت و حفاظت از مردم را به عهده خواهند گرفت و در صورت مقاومت سرسپردگان حکومت می بایست با آنها بصورت خصمانه و قهرآمیز مقابله شود.

- تجمع مردم ایران در خیابان های تمام شهرها بصورت میلیونی از ساعت ۹ صبح شروع می شود و همه مردم در خیابانها و کوچه ها تجمع خواهند کرد.

- همه مردم باید تدارکات شخصی خویش را همراه داشته باشند از قبیل مواد غذایی، آب و سلاح از هر نوعی.

- بعد از تجمع میلیونی در خیابانها، شعارهای براندازی داده خواهد شد و بعد با جنگ چریکی و پارتیزانی به مراکز حساس حمله کنید و آنها را به تصرف خود درآورید و مسئولانی برای آن مراکز تعیین کنید.

- به زندانها هجوم برده زندانیان را آزاد کنید.

- مراکز ارتباطی و صدا و سیما باید فوراً به اشغال نیروهای میهنی و مردمی درآید و از دانشگاهها به عنوان پایگاههای عملیاتی برای تسخیر هدفها استفاده شود.

- تسخیر پایگاههای نیروهای سرکوبگر حکومت، فتح مراکز و نهادهای حکومتی، دستگیری و زندانی کردن عوامل و سرسپرده های حکومت به پیروزی ملت ایران منجر خواهد شد.

- مردم در هر محله و ناحیه از شهرهای ایران مسئولیت عملیات و حفظ امنیت در محیط خویش را دارند و شوراهای محلی که از افراد خوشنام و میهن پرست تشکیل خواهند شد، در چند روز اول بعد از براندازی، امنیت و آسایش را در کشور تضمین خواهند نمود.

- بمجرد خلع ید از حکومت اسلامی توسط مردم ایران، شورای براندازی دولت موقت را با همراهی و همیاری ملت قهرمان ایران تشکیل خواهد داد و شورای رهبری که از نمایندگان گروههای میهنی و مردمی است کار خود را آغاز خواهد کرد و امنیت و فضای باز سیاسی را بمدت ۸ ماه الی یک سال به ایران باز خواهد گرداند و پس از آن انتخابات آزاد در ایران انجام خواهد گرفت.

**فرزندان ایرانزمین خود را برای روز قیام ملی و براندازی حکومت جبار اسلامی آماده سازید**  
**ملت مبارز ایرانزمین، تن های ما با هم تنها نیستند**

## ایران سرزمین پیدایش اندیشه و تمدن

پیدایش جهان و بنیاد آن که اجتماع کنونی از آن سرچشمه گرفته و بوجود آمده است در دوره طولانی پیش از تاریخ مدفون است.

تاریخ به مفهوم اصلی خود به معنای بررسی و تحقیق است. **وظیفه تاریخ نویس** این است که **حقایق** مربوط به گذشته را فراهم آورد و سپس به امید آنکه بشر از **تجربه** گذشته پند بگیرد، آن را تفسیر کند.

البته **تاریخ نویس** به نوبه خود می بایست **تجربه** و نوشتار و شواهدی که قابل بررسی و لمس کردن است را مطالعه کند و درس بیاموزد و وقایع و اوضاعی که شخصیت های تاریخی و به قولی افسانه ای با آن روبرو شده بودند را مورد **تحقیق، بررسی و کاوش** قرار دهد و از نتایج آن بهره مند شود.

حقایقی که تاریخ نویس ضمن کاوش های هیجان انگیز خود با **مسئولیت واقعه گرایی** و با بینش حقیقی بدست می آورد می بایست **بیطرفانه** و طبق اسناد و اشیا و ابزار کشف شده باستانی و **تعبیر بدون اغراق** آنها باشد و اکنون این شواهد در دسترس و بسیار متنوع می باشند. این شواهد عبارتند از: **تاریخ سیاسی، اقتصادی، نظامی، آداب و رسوم، نهادهای اجتماعی** - صنفی، ادبیات، هنر و فنون و در انتها **دین و فلسفه** و باورهای **وجدانی و روحی** که هر کدام دریچه ای به درگاه **واقعیت های تاریخی** می گشاید و از مجموعه آنهاست که تاریخ واقعیت ها پدیدار می شود.

با وجود مدارک و شواهد غیرقابل انکار، دیده می شود که بعضی **تاریخ نویسان غیر مسئول** و مزدور در تحریف تاریخ ابایی ندارند و این قلم به مزدان تاریخ می سرایند.

البته نخستین **وظیفه خواننده** در مورد نوشتار تاریخی این است که نتایج و گفته های تاریخ نویس را مورد بررسی عمیق قرار دهد و نتایج گفته های تاریخ نویس را ارزیابی نماید و **هدف** او را در مورد نوشتارش مورد **تجسس** قرار دهد.

با این روش است که بررسی دوران پیش از **تاریخ و باستان** بررسی شده است و بررسی آثار **باستانی، سنگبسته ها و یا پیروسیها** یعنی کاغذ باستانی و **کتب دینی و فلسفه** و باورهای **میتراپی** (ستایش میترا) و **اوستا و تورات و شاهنامه** راهگشای واقعیت های تاریخی و باستانی می باشد.



## نبرد با اهریمن

در سال های اخیر دانش ما در نتیجه علم جدید باستان شناسی در مورد تاریخ باستانی ایران و تمدن شهری بیش از ۱۲ هزار ساله آن به اثبات رسیده است و نیز با بررسی شواهد آثار باستانی دریافته ایم که آریایی ها همان طوایف و اقوامی هستند که همواره در سرزمین کنونی به نام فلات ایران که در آن زمان فلات آریایی ها نام داشت از ابتدا می زیستند و این قبایل در قبایل مختلف نام های مختلف داشتند و به طور کلی به سه تیره بزرگ پارت ها در شرق و شمال شرقی، پارس ها در مرکز ما بین رشته کوه البرز و زاگرس تا دریای خزر و مادها در غرب و شمال غربی تقسیم می شدند که در شاهنامه به صورت تورانیان، ایرانیان و پورانیان نامیده شده اند و گویا در دوره پیشدادیان کشور آریایی ها به این سه منطقه تقسیم می گردید. کاوش های جدید باستان شناسی این گفته را ثابت می نماید و در بررسی ژنتیکی به این مهم می رسیم که نسل و نژاد آریایی با نژاد هندی و زردپوستان تفاوت دارد و در ادوار باستانی هیچگونه مهاجرت عظیم آریایی ها به فلات ایران کنونی انجام نشده است. البته باید متذکر شد که به عکس سه مهاجرت بزرگ آریایی ها از فلات آریایی ها (ایران) به سمت هند و اروپا انجام شده است. اولین مهاجرت زمان حمله اسکندر مقدونی و به آتش کشیدن تاریخ و تمدن آریاییان بود، در این زمان عده زیادی از پارسیان زرتشتی به سوی هند مهاجرت کردند و دومین مهاجرت زمان حمله اعراب تازی به سرزمین اهورایی ما بود که در زمان ساسانیان صورت گرفت و آخرین مهاجرت از سال ۱۳۵۷ برابر ۳۷۱۶ جمشیدی شروع شد و تاکنون بیش از ۵ میلیون ایرانی در مدت ۲۹ سال به کشورهای خارج مهاجرت کرده اند.

عمر کره زمین به بیش از چهار و نیم میلیارد سال می رسد، و پیدایش حیات به سصد و پنجاه میلیون سال می رسد. طبق نظریه متخصصان ( Paléontologue ) که از زمان پیدایش انسان بر روی کره زمین تا زمان اختراع خط میخی را مورد بررسی قرار می دهند، دوره پیش از تاریخ به سه دوره، پارینه سنگی قدیم، فرا پارینه سنگی و نوسنگی جدید تقسیم می شود. تاکنون اولین نوشته ها به سومریان تعلق داشته است که در نواحی جنوبی میانرودان (بین النهرین - Mésopotamie) می زیستند که به قدمت ۳۶۰۰ سال قبل از میلاد مسیح می رسد.

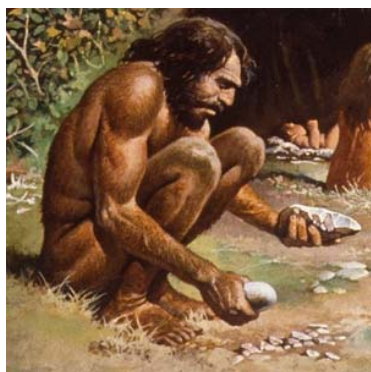


انسان روی کره زمین از شش میلیون سال پیش زندگی می کرده است. البته اولین رد پای انسان تاکنون در آفریقا یافت شده است و متعلق به ۳/۶ میلیون سال پیش است و Lucy نامیده شده است (در تانزانیا). در ۲/۵ میلیون سال پیش انسانها توانستند ابزاری برای شکار بسازند و این انسان اولیه Homo Habilis نامیده شده است.



در ۱/۵ میلیون سال پیش انسانهایی با شکل ظاهری پیشرفته تر بوجود آمدند که راست قامت تر بودند و آنها را **Homo erectus** نام نهادند.

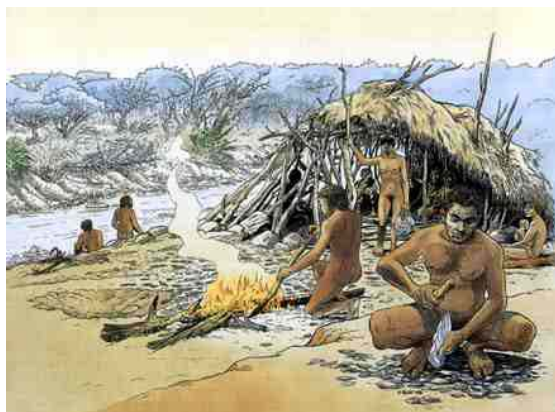
آنها قادر بودند خانه های حصیری نیز بسازند (یک انسان **هموارکتوس** که متعلق به ۲۰۰ هزار سال پیش است در یک غار در نزدیکی **پکن** پیدا شده).

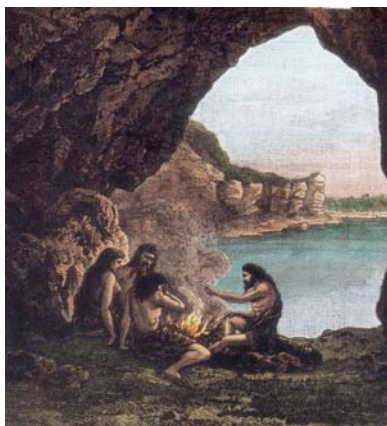


در دوره یخبندان از ۲۰۰ تا ۷۰۰ هزار سال پیش دوره کوری در زندگی بشر اولیه می باشد که هنوز بقایایی از آنها یافت نشده است.

احتمالاً انسان اولیه **نئاندرتال** Néandertal که به دو شاخه **Homo erectus** و **Homo Habilis** تقسیم می شدند در این زمان از بین می رود و یا تحول به سوی یک انسان با شکل انسان امروزی پیدا می کند که در حدود **۱۰۰ هزار سال پیش** ظاهر می شود (**Homo sapiens**).

این انسان پیشرفته از ۴۰ هزار سال پیش از سنگ خارا نیزه می ساخته، **کلبه حصیری** می ساخته، از استخوان سوزن و از نخ عصبی حیوانات برای دوختن پوست حیوانات برای **لباس** استفاده می کرده است.





این انسانها که تعدادی از آنها هنوز در غارها زندگی می کردند از ۲۰ هزار سال پیش شروع به نقاشی در غارها می کنند.

این انسانها از ۱۲ تا ۱۵ هزار سال پیش خانه های گلی می سازند و دامپروری و کشاورزی را شروع می کنند، اولین ردپای کشاورزی در کشور آریائی ها یعنی ایران امروز که به حدود ۱۰ هزار سال پیش می رسد را یافته اند.

البته گروهی بر این باورند که انسان اولین به دو صورت ظاهر شده است :

۱- Néandertal : Homo erectus -b Homo Habilis -a

که در دوره یخبندان زمین از بین می روند.

۲- Homo Sapiens که به زندگی روی زمین ادامه می دهد.

انسان نئاندرتال به شامپانزه و گوریل بیشتر شبیه بوده تا انسان کنونی، البته باید متذکر شد که ژنهای شامپانزه با انسان ۹۹ درصد شباهت دارد ولی از لحاظ شکل ظاهری این شباهت به ۶۰ درصد می رسد.

زمان داخل جنینی (فاز آمبیونر) شامپانزه دو هفته طول دارد در صورتی که نزد انسان هشت هفته طول می کشد. نوزاد انسان پس از ۹ ماه تولد پیدا می کند در صورتیکه نوزاد شامپانزه پس از هشت ماه، تعداد نرونهاي انسان حدود ۳ برابر نرونهاي شامپانزه می باشد، حجم جمجمه انسان از ۹۰۰ تا ۲۰۰۰ است در صورتی که نزد شامپانزه از ۳۲۰ تا ۴۸۰ تجاوز نمی کند. به نظر ما انسان از نسل آدم می باشد که در بدو پیدایش روی کره زمین به همین شکل بوده است.



اولین استفاده انسان از آتش به ۴۵۰ هزار سال پیش بر می گردد و از ۲۵۰ تا ۳۰۰ هزار سال پیش چگونگی استفاده از آن را در موارد مختلف تحت تسلط گرفت. البته عده ای معتقد هستند که رویارویی انسان با آتش از یک میلیارد سال پیش زمانی که کوههای آتش فشان فعال شدند شروع

شد. رفته رفته انسانهای اولیه موارد مختلف استفاده از آتش را آموختند و آن را **نهاد تحول و بقای انسان** یافتند. **خورشید** را **آتش خدا** نامیدند و آن را مورد ستایش قرار دادند. در اینجا بود که **میترا** متولد شد و خورشید را به پرنده ای شبیه نمودند که از مشرق طلوع و در مغرب غروب می کند و اینجا بود که سنبل میترائیسم یعنی **خورشید پرنده** شکل گرفت.



دوران **پارینه سنگی ایران** به سه دوره **پارینه سنگی قدیم، میانی، جدید** و یک دوره کوتاه بنام **فرا پارینه سنگی** تقسیم می شود. فرهنگهای مرتبط با **پارینه سنگی قدیم** ایران شامل فرهنگ **ساطور ابزار الدوان** و فرهنگ **تبر دستی آشولی** هستند. کهنترین شواهد (آثار باستانی یافت شده) این دوره که مربوط به فرهنگ **الدوان** است در اطراف رودخانه **کشف رود** در شرق **مشهد** یافت شده است. این شواهد شامل تعدادی ابزار سنگی ساخته شده از **کوارتز** است که شامل تراشه و ساطور ابزار هستند.



طبق نظر کاشفین این مجموعه حداقل ۸۰۰/۰۰۰ هزار سال قدمت دارد. از فرهنگ **آشولی** نیز مدارک بیشتری در شمال غرب و غرب کشور بدست آمده است. برخی از مکانهای مهم شامل **گنج پر** در رستم آباد گیلان، **شیوه تو** در نزدیکی مهاباد، **پل باریک** در هلیلان لرستان هستند. از دوران پارینه سنگی میانی که فرهنگ ابزار سازی آن **موستری** گفته می شود، شواهد بیشتری در غارها و پناهگاهها یافت شده است که اغلب مربوط به **زاگرس** مرکزی هستند. این دوره از حدود ۲۰۰ تا ۱۵۰ هزار سال پیش شروع شده و تا حدود ۴۰ هزار سال پیش ادامه داشته است.

**انسانهای نئاندرتال** در این دوره در ایران می زیستند که بقایای اسکلت آنها در غار **بیستون** یافت شده است. مکانهای مهم این دوره **غارهای بیستون، ورواسی، قبه و دو اشکفت** در

## نبرد با اهریمن

شمال کرمانشاه، قمری و گر ارجنه در اطراف خرم آباد، کیارام در نزدیکی گرگان، نیاسر و کفتار خون در نزدیکی کاشان، قلعه بزی در نزدیکی اصفهان و میرک در نزدیکی سمنان است.

**دوران پارینه سنگی جدید ایران** از حدود ۴۰ هزار سال پیش آغاز و تا حدود ۱۸ هزار سال پیش ادامه یافته که مقارن با پیدایش انسان هوشمند تری در ایران است. آثار این دوره در اطراف کرمانشاه، خرم آباد، مرو دشت و کاشان یافت شده است. فرهنگ ابزار سازی این دوره **تیغه و ریز تیغه برادوستی** است. آثار دوره بعدی **فراپارینه سنگی** در **غرب زاگرس** و **شمال البرز** بدست آمده که فرهنگ زرزی خوانده می شود.

ساکنین ایران کنونی تحت عنوان **کاسی** ها و یا **کاسپینها** که **آریایی** بودند و دریای خزر بنام آنها ثبت شده است. **کاسپینهای آریایی** نژاد نخستین کشاورزان جهان بوده اند و کشاورزی از سرزمین آنها به خاکهای رسوبی رودخانه های **سند** و **سیحون** و **جیحون** و **دجله** و **فرات** رسیده است. در دوران **نوسنگی** در برخی نواحی آسیای غربی (**خاورمیانه**)، انسان از مرحله جمع‌آوری و شکار به مرحله کشت و اهلی کردن برخی جانوران، انتقال یافت.

قدیمیترین آثار سکونت روستا نشینان اولیه در غرب **زاگرس** و **شمال خوزستان** یافت شده است. برخی از این روستاهای اولیه **گنج دره**، **سراب** و **آسیاب** در نزدیکی **کرمانشاه**، **علی کش** در **دهلران**، **گوران** در **هلیلان** و **چغا بنوت** در **شمال خوزستان** است. قدیمیترین مدارک اهلی شدن بز در مکان **گنج دره** کشف شده که حدود ۱۰ هزار سال قدمت دارد.

بین هفت تا هشت هزار سال پیش مراکز روستانشین در چند نقطه از ایران، در منطقه **تمدن جیرفت** در **تمدن تپه سیلک** نزدیک **کاشان** و در اطراف **مرو دشت** و در فاصله کمی از **شوش**، **قدیمیترین شهر موجود دنیا**، وجود داشته است. **شوش** یکی از **قدیمیترین سکونتگاههای** شناخته شده منطقه است، با وجود اینکه نخستین آثار یک دهکده مسکونی در آن مربوط به ۷۰۰۰ سال پیش از میلاد هستند.



کهن‌ترین نشانه‌های تمدن انسانی، مربوطه به ۸۵۰۰ سال ق. م. است که در *ایران*، در منطقه *پارس*، تمدن *شهر سوخته* در *سیستان*، تمدن *عیلام* در *خوزستان*، تمدن *جیرفت* در *کرمان*، تمدن *تپه‌حصار* در *دامغان*، تمدن *تپه سیلک* (در *کاشان*)، تمدن *اورارتو* (در *آذربایجان*)، *تپه گیان نهالوند*، تمدن *کاسی‌ها* (در *لرستان* امروز)، پیدا شده است. از روی یک قسمت از آثار تمدن *تپه سیلک*، که گمان می‌رود مربوط به *هزاره چهارم* پ.م. باشد، پیدا شده است که اهالی آنجا به *بافندگی* و کارکردن با *فلزات* و استعمال *مهر* و چرخ *گوزه‌گری* پی برده بودند.

*ایران نخستین سرزمینی است که در آن مردم به استخراج و استعمال فلزات پی برده‌اند.* تعدادی از نخستین کوره‌های *ذوب مس* در *تل ابلیس کرمان* مربوط به *هزاره پنجم* ق.م. بدست آمد (به گفته *اوستا*، *هوشنگ شاه صنعت جدا کردن آهن و سنگ و ساختن ابزار آلات آهنی را به انسان‌ها آموخت*) و اشیاء مسی شامل *سنجاق* و *درفش*، *مهر* و *دستبند* و *حلقه انگشتر* از آنها کشف گردید. قدیمی‌ترین فلزی که مورد استفاده انسان قرار گرفته *مس* بوده است. این فلز در ۴۵۰۰ ق. م. در آسیای غربی مورد استفاده بوده است.

از *اواسط دوران فلز*، بجز *مس*، فلزات دیگری چون *قلع*، *طلا*، *نقره* در چرخه فن‌آوری مردمان آن عصر پدیدار شدند و شاید به این دلیل است که این دوره را *دوره فلز* نام نهاده‌اند نه *دوره مس*. *برنزهای* مشهور به *لرستان* اهمیت ایران را بعنوان یک مرکز فلزکاری بطور روشن نشان می‌دهد. رویدادی مهم در هزاره سوم پ.م. که تأثیرگذار در زندگی *ساکنان فلات ایران* و خصوصاً دشت *خوزستان* است عبارت است از کشف فلز *آلیاژی* *مفرغ*. از مراکز مهم فرهنگهای عصر *مفرغ* ایران غرب ایران و *حوزه زاگرس مرکزی* (لرستان پیشکوه و پشتکوه) بوده است. *مفرغ* ساخته شده در کوهپایه‌های *زاگرس* به *سومر* و *عیلام* صادر می‌شده است. تقریباً از حدود ۶۰۰۰ سال قبل از میلاد است که آثار دهکده‌ها در فلات آریایی‌ها (ایران) یافت می‌شود. این دهکده‌ها معدود بودند و طوایف و *اقوام آریایی* را در خود جای می‌دادند. در اثر افزایش جمعیت، ارتباطات و داد و ستد این دهکده‌ها تحت نفوذ یکدیگر قرار گرفته و *حکومت‌های قبیله‌ای*، منطقه‌ای و کشوری را بوجود آوردند و در طی دوران مختلف نام‌های آنها متغیر بوده است. پیدایش حکومت‌ها و شهرها همراه با استفاده از *مس*، *مفرغ* در *سرزمین آریایی*‌ها و توسعه چرخ *کوزه‌گری* و پیشرفت سریع اولین تمدن جهانی در منطقه آریایی‌ها اولین فرمانروایی کشوری و منطقه‌ای *توسط شاهان پیشدادیان* بود که بر طبق اسناد یافت شده و *گویه‌های اوستایی*، *توراتی* و *شاهنامه فردوسی* این فرضیه ثابت می‌شود و می‌بینیم که *دشمنان ایرانزمین چگونه تاریخ و تمدن این سرزمین اهورایی را تحریف نموده‌اند.*

## نبرد با اهریمن

شهرنشینی، شهر به مفهوم اخص آن از اواخر هزاره چهارم پ.م. و خصوصاً هزاره سوم پ.م. در ایران موجودیت یافت. شهر شوش یکی از قدیمیترین (۴۰۰۰ سال پ. م.) سکونتگاههای شناخته شده منطقه است.

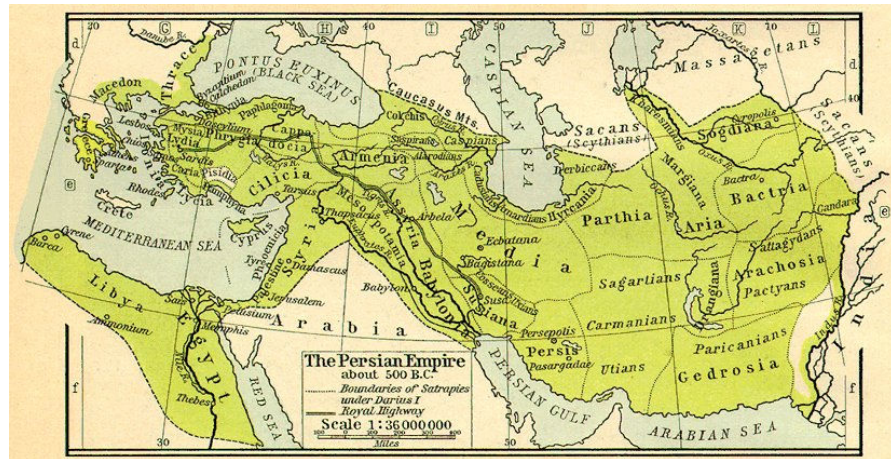


شهرهای مهم ایران در هزاره سوم پ.م. عبارتند از: پاسارگاد، مرو دشت در استان پارس، تپه حسنلو و هفتوان تپه در آذربایجان - تمدن تپه سیلک در کاشان - تپه حصار در دامغان - تپه گیان نهانند، - گودین، کنگاور - شاه تپه و تورنگ تپه گرگان - تپه قبرستان بویین زهرای قزوین - شوش، خوزستان - تمدن جیرفت، تپه یحیی و شهداد، کرمان - ملیان، فارس - شهر سوخته در زابل.

تشکیل سلسله‌ها و ظهور نخستین حکومت‌های مستقل در هزاره‌های سوم، دوم و اول پ.م. با حکومت کاسی‌ها و گوتی‌ها که از قبایل آریایی بودند و در سرزمین پارس می‌زیستند و به آنها به دلیل داشتن باورهای دینی اوستایی پارساییان و یا پارس می‌گفتند که گویا همان پیشدادیان می‌باشند در منابع سومری به آنها آفتاب پرست گفته شده است که با هیتی‌ها و میتانی‌ها که آریایی نیز بودند همسایه بودند، این مردم در پیمان نامه‌های خود به میترا سوگند می‌خوردند (آثار باستانی بدست آمده در حدود ۵۵۰۰ سال قبل از میلاد) و همچنین در کتیبه‌ای از آشوری‌ها که در غرب فلات آریایی‌ها می‌زیستند که متعلق به ۹۰۰ سال قبل از میلاد است از پارت‌ها چنین یاد شده است (کتیبه سلمانسر) که شاه آشوری از ۲۷ حکمرانان غربی زاگرس اقوام مادی و زیکی‌تو یا به قول یونانی‌ها ساگارتی که از اقوام آریایی‌ها بودند و در آذربادگان مستقر بودند و نیز مرز دولت اوراتو و امتداد آن را نقل کرده‌اند.

همبستگی قبایل مادی و مانناها که شامل اتحادی از طوایف منطقه غربی ایران کنونی و شمال شرقی آشور بودند، در ۷۲۷ سال قبل از میلاد توانست دولت قدرتمند آشور را در سال

۶۱۲ پیش از میلاد نابود سازد و شاهنشاهی **ماد** را پایه گذاری کند. در نتیجه اقوام **کاسی ها**، **گوتیان**، **لولوبیان**، **سکاها**، **مانناها**، **اورارتوها** و **مادها** همه **آریایی** بودند و آنهایی که به **اهورا مزدا** و **میترا** عقیده داشتند **پارسیان** یعنی انسانهای اندیشمند **زاهد** و **پارسا** بودند که **اندیشه نیک**، **گفتار نیک** و **کردار نیک** را در دستور کار خود قرار داده بودند. سرانجام امپراتوری وسیع **مخامنشی** نه تنها بر فلات آریایی ها بلکه بر ۱۶۴ کشور جهان حاکم شد.



ما در این فصل، تاریخ سرزمین خود را از **پیدایش نوروز** که توسط **جمشیدشاه** پیشدادیان در **تخت جمشید** ابداع شد که به ۳۷۴۵ سال پیش می رسد، پایه گذاری می نمایم که از آن زمان **گاهنامه** سالی ۳۶۵ روزه بوجود آمد.

**آشوزرتشت** از ۱۴ پشت به **منوچهر پیشدادیان** می رسد و در ۱۳۵۰ سال قبل از میلاد می زیسته است. به گفته او **کیومرث** نخستین کسی بود که **پیام اهورا مزدا** را دریافت کرد و **خورشید** را به صورت **پرنده ای** ترسیم نمود و **نور** و **روشنایی** را نمادی از قدرت **اهورا مزدا** دانست.

**آشوزرتشت** در دربار **گرشاسب** یکی از پادشاهان **پیشدادیان** می رود و **پندار نیک**، **گفتار نیک** و **کردار نیک** را قوانین ابتدایی زندگی می نامد. او **آشکده ای** در **آذرآبادگان** بنا می نماید و **ستایش آتش**، **نور** و **روشنایی** را در **شناخت قدرت اهورا مزدا** توصیه می نماید.



## نبرد با اهریمن

در اینجا آثار باستانی که مهر تأیید بر گویه های ما می باشد را به نمایش می گذاریم :

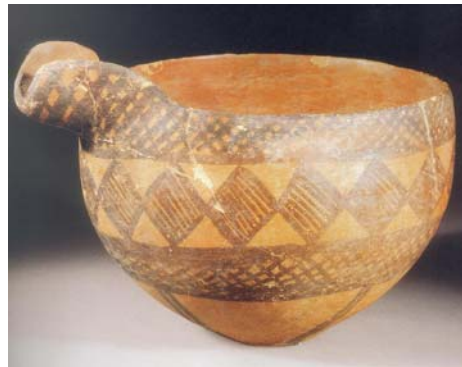
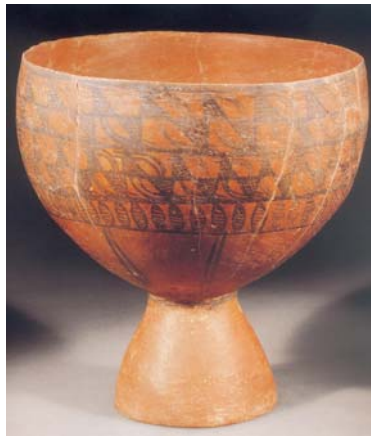


ظرف سفالی یافت شده در اسماعیل آباد  
قزوین که متعلق به ۶۰۰۰ تا ۶۵۰۰ سال می باشد :



مجسمه زن همراه بچه در تپه زاغه قزوین  
از جنس سفالی که متعلق به ۸۰۰۰ تا ۸۵۰۰ سال  
پیش می باشد :

ظروف سفالی با قدمت ۶۰۰۰ تا ۶۵۰۰ سال پیش در تپه زاغه قزوین :





ظرف از جنس نوعی مرمر  
یافت شده در تپه زاغه قزوین که  
متعلق به ۶۰۰۰ تا ۶۵۰۰ سال پیش.



آلت موسیقی از جنس سفال متعلق به ۳۲۰۰ تا ۳۵۰۰ سال  
پیش یافت شده در گیلان.



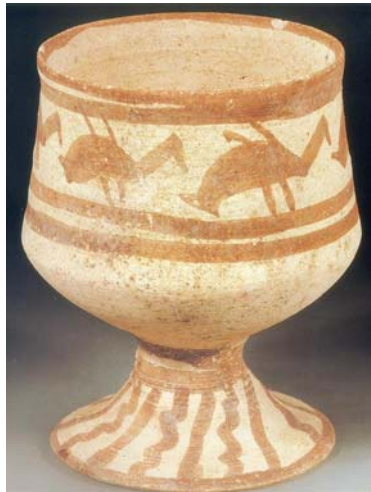
ظرف سفالی یافت شده در مرودشت (دشت  
تخت جمشید) فارس متعلق به ۵۰۰۰ تا ۵۵۰۰ سال  
پیش.



ظرف سفالی یافت شده در استان فارس متعلق به ۵۰۰۰ تا ۵۵۰۰ سال پیش.



سرمه دان یافت شده در شرق کرمان متعلق به ۴۱۰۰ تا ۴۵۰۰ سال پیش.



ظرف سفالی یافته شده در سیستان متعلق به ۴۷۰۰ تا ۴۹۰۰ سال پیش.